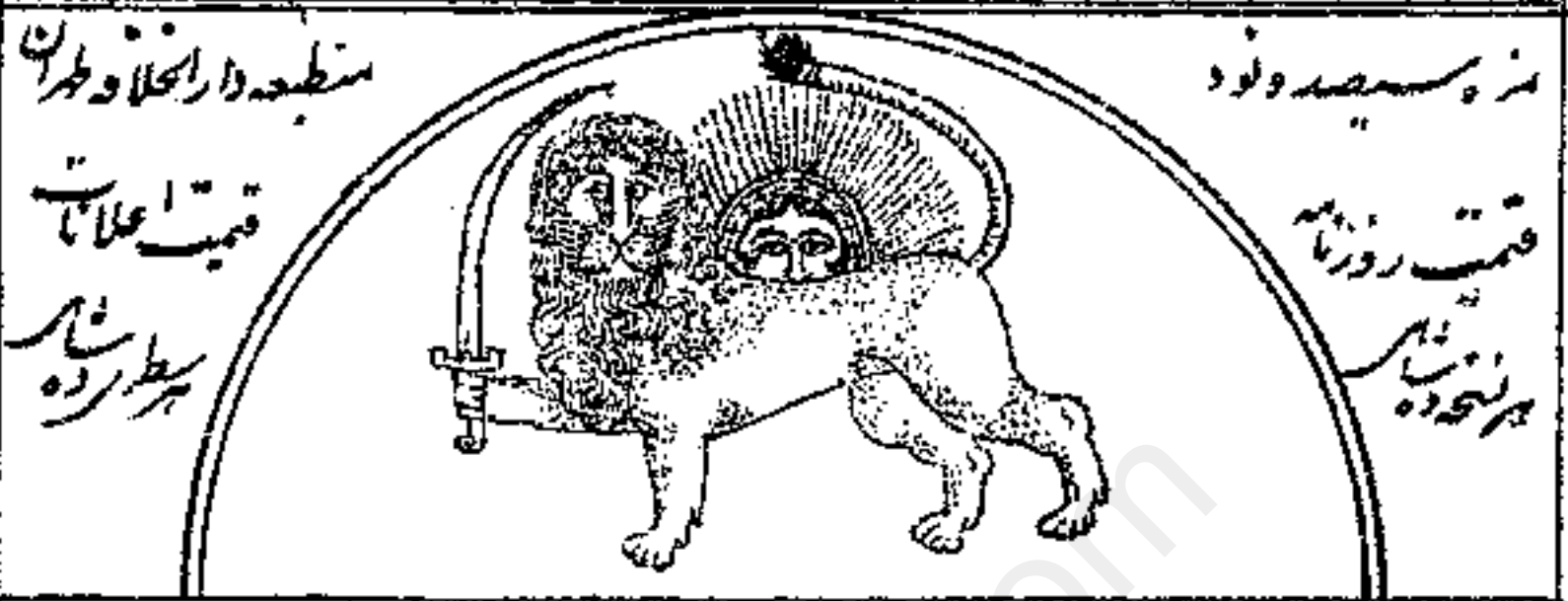


سجده مرند رفاه حال مسافری در این اوقات مجدد و از جانب اعلیحضرت امیرالطور فرست حکم  
 شده است که چند چاه دیگر در مکانهای متعدد نزدیک بهم بهمان طور در آنجا حفر نمایند که آب  
 دست بدست و عرض راههای آنجا زیاد باشد مسافری هیچ باب از آب مشکستی نکند  
 (از قرار روزنامه جریده الحوادث نوشته اند در عید ماه مبارک رمضان والی و الاشان مصر  
 در یکدیگر بعد گرفته بود احمد پاشا پسر مرحوم ابراهیم پاشا و حلیم پاشا پسر مرحوم محمد علی پاشا  
 و از اموری مصر خیرالدین پاشا و رفت یک سجده ادای مراسم تعید باسکنده تریه حاضر شده  
 بعد از ملاقات با والی مصر و انقضای مراسم عید کالک نوشته است در محبت مصر میگردند بجل قافرا زیاد  
 که رسیده بودند خواسته بودند که بزودتی نوشته اند در دینل عبور نمایند درین بین که هنوز در کالک  
 بودند هر طور بوده است نقصانی در حرکت کالک ظاهر شده از راه خود منحرف گردید بطرف رود فرعی  
 حرکت کرده حلیم پاشا پسر محمد علی پاشا که خود را کالک پیرون انداخت جان بسلاست بدر برود  
 دیگر کالک با آب فرو برده غرق شدند) (دیگر نوشته اند که فرال دولت اسراج و نور و جبا  
 کمال است که مرضی پوجوش طاری گردیده است در این اوقات سجه تبدیل آب و هوا غریب  
 سمت مصر نموده و پسر خود را بجای خود بقایم مقامی آن دولت نصب و تعیین نموده است) (دیگر  
 نوشته اند که سجه اصلاح احوال داخله و تصحیح معاملات فتنیه ایتالیا فرال دولت ناپولی با جبا  
 پای روی روم در محلی از سرحد قرار گرفته اند که بگذرک را ملاقات نمایند) (در روزنامه های این  
 نوشته بودند که اعلیحضرت امیرالطور فرانس قرار گرفته است بودند که نواب پرس ناپلیان  
 خود را بقایم مقامی جزایر نصب نمایند از قرار روزنامه که این اوقات رسیده است این قرار داد  
 قدری بتعویق و تاخیر افتاده است) (دیگر از روزنامه اسپانیول نوشته اند که یکه اسپانیول  
 با خدگشتی لاجل سپاه عزیمت نموده اند که یک چندی مالکی را که در سواحل فرانس است سیاحت  
 نمایند و در ویشان را در این اوقات بکنی سازخانه قانس نوشته بودند) (از قرار روزنامه  
 لندن بیست و دو قطعه کشتی از انگلیس در بحر سفیدست و چهارصد و نود و نوب در آنها حمل است  
 و سفین مزبور جمله قوت شش هزار است دارند

۲۶۲۲

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه یازدهم شهر سنه ۱۲۷۴ مطابق بوقبل اول شهریور



### اخبار داحند ممالک محروسه پادشاهی

#### داریانخلا و طهران

سابقاً بادلیای دولت علییه خبر رسید که جناب جلالت نصاب موسیو اینچوف سمیت وزیر مختاری و ایچی کرمی مخصوص از دربار دولت بیتیته روسیه بدر بار این دولت علییه هارنم و از راه آذربایجان بداریانخلا و البابره خوانند آمد مقررت انخان خان علیستغی خان از جانب سنی اجواسب سرکار علیحضرت آدکس مایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه پادستور العهل و احکام لازمه صحبه پذیرانی جناب معزیه الیه بحسب حکم اولیای دولت فاهر بمهانداری روانه بفرز شد که در انجا مترصد مستطر باشد و قبل از وقت تشریفات و مزودات پذیرفتن جناب وزیر مختار را آماده و مهیا نماید در چهارم انیماه و پنجمه احکام از سفارت بیتیته روسیه خبر رسید که جناب وزیر مختاری معزیه الیه از طرف استر اباد غرمت دربار مایون نموده روانه پیشیند و بزودی وارد استر اباد خواهند شد اولیای دولت علییه ملاحظه کمال مودت و مصافحات که فیما بین دولین فیمین ایران و روس استقرار دارد و مقررت انخان خان ثادی خان سرنپ را بادستور العهل و احکام صادره بعهد حکام عرض راه سمیت مهانداری جناب معزیه الیه روانه استر اباد نمودند که باضیق وقت هر قدر بتواند و پیشرفت داشته باشد در انجا عرض راه مزودات پذیرانی و تشریفات جناب وزیر مختار را فراهم نماید و در مهید مویجات احترام و آسایش و استراحت ایشان مساعی

۲۶۲۳

موفوره بعل آورد و تا و زود در اختلافه الباهره مراقب معانداری و سمرای جناب مغزی  
باشد ولی بسیار خوب میشد که جناب وزیر مختار مغزی البیه چنانکه از چند پیشتر اولیای دولت  
علیه و خود سفارت دولت اشارت به نظر بودند از راه آذربایجان وارد خاک این دولت  
و عازم دربار شوکتدار عالیون می شدند که رسوم تشریفات و پذیرائی در کمال خوبی نسبت  
بایشان بوسعت وقت اجرامی گشت (مقرب انخاقان محمد اسمعیل خان نوری که چندی در اوضاع  
بود در این اوقات بر حسب حکم اولیای دولت علیه بدار اختلافه الباهره احضار گشته خدمت جناب  
اشرف ارفع مجد صدر اعظم دام اجلاله مشرف شده مورد تملطف و اوقات آمد بعد بحضور  
لامع النور سرکار اعلی حضرت اقدس عالیون شاهنشاهی خدایه تسلطانه مشرفیاب گردیده بشمول  
عواطف و مراحم ملوکانه گشت و با عطای بیکتوب چیه ترمه کرمانی اعلی بسم خلعت آفتاب طلعت  
سربند و قرین افتخار آمد و جناب اشرف ارفع امجد دام اجلاله بیکتوب کلچ ترمه کرمانی  
خود را با و التفات کردند و احکام علیه برای انجام مطالب و انتظام امورات ملکی و بیولی او گذران  
صادر آمده اجازه و رخصت حاصل کرده با کمال امتیاز واری بالطاق شاهانه و توجهات و برهات  
اولیای دولت علیه برای سرپرستی اهل و عیال و نظم امورات ملکی و بیولی خود روانه کرمان گردید  
(چون اهتمام و مراقبت مقرب انخاقان میرزا رحیم پیشخدمت و محصل محاسبات در گذران  
محاسبات دیوانی و اصدار مفاصا و کسب و غیره مشهود اولیای دولت علیه گشته در این اوقات  
مخصر ظهور رحمت خاطر اقدس عالیون شاهنشاهی در باره مقرب انخاقان شارالیه بیکتوب چیه ترمه  
بسم خلعت از جانب سنی ابجواب ملوکانه با و رحمت که دید) (عالتیجا میرزا امجد سرشته دار  
ملکت آذربایجان هم که در گذران محاسبه آذربایجان صداقت و خدمتگذاری خود را مشهود نظر  
اولیای دولت علیه کرده سر او التفات شده بود بیکتوب چیه ترمه با و خلعت مرجمت کرده  
(موجب فروری کوکت عالیون در منزل ایشان که اول دانات رود بارت بجهت موم و سعادت و فضا و گرمی هوا  
زیادتر از یکتوب توقف فرموده از آنجا تشریف فرمای آثار که حشره رود خانه چاه و دست کردید و در آنجا  
دو شب توقف فرمودند و از آنجا بمنزل شمشک که حشره رود خانه کرج است تشریف فرما شدند آب و هوا و قریح کاغذ  
زیاد و مطبوع و قبول طبع بیک اعلی حضرت شاهنشاهی اعلی افتا و در آنجا توقف دارند هر روز سوار شد بکار و قریح تشریف پذیرند

۲۶۲۲

### استرآباد

از قرار روزنامه استرآباد خلعت مهر طلعت تابون که از جانب سی الجوانب شاهنشاهی باقیجا  
 مقرب الخاقان جعفرقلیخان اینجانی بیکر سکی استرآباد مرخص شده بود در نوزدهم شهر ذیقعده  
 بانجا پرتو و وصول افکنده مقرب الخاقان مشارالیه و عالیجا همیرزا محمدنقی همام خارج بمقرب  
 استرآباد که برای او نیز خلعت از دربار جلالون مرحمت شده بود با اعیان و امانی و صاحب  
 نظام لوازم استقبال و توقیر و احترام را بعل آورده زین برود و شش مفاخرت و مباحث کرد  
 صرف شربت و شیرینی نمودند (دیگر نوشته اند که جمعی از ترکمانان طایفه جغریای بیوت  
 نیز مقرب الخاقان اینجانی آمدند مذکور داشتند که چند نفر اسپر استرآبادی و غیره که در آنجا  
 ما بودند آورده و مستدعی مرخصی بعضی از اسپری خود که در آنجا مستندیم تا املینان  
 کرده بعد ازین طریقه اطاعت و انقیاد و خدمتگذاری دولت جاوید بنیاد در پیش نهاد کرده  
 در مقام ایلیت برائیم مقرب الخاقان مشارالیه نیز در صد استمالت و املینان خاطر آنها  
 برآمده چهار نفر اسپر و زن دریاقلیخان را که سابقا در تاخت طایفه مزبور دستگیر شده  
 بودند با آنها رده نموده با نهایت امیدواری و تعهدات خدمتگذاری با او بهای خود معاوضه  
 کردند و بعد از چند روز مجدداً بیت نقر اسپر از استرآبادی و مازندرانی که در میان  
 آنها بود آورده و پانزده ریس اسب خوب بهم شکش کرده مقرریم شکش پانزده ریس  
 نیز کردند و مقرب الخاقان مشارالیه از سوی خود را که در فرقه محمدآباد بیکر سکی استرآباد  
 بود بعد از آنکه دو فوج سمنان و دامغان جمعی مقرب الخاقان مصطفی خان سپهتپ هم ملحق  
 در پیستم ذیقعه از انجا حرکت داده در محفل مشهور بکل تپه و قوشه چائی که محاذی اوججا  
 ایل بیوت و بیکر سکی رود کرکان واقع قلعه است اردو زده طایفه ترکمان که در مقام  
 رعیتی و خدمتگذاری پناشند آذوقه بسیار از جو و کندم علی التوالی بار آورده  
 میفرود شدند و کمال فراوانی و ارزانی در اردو و حاصل است و ترکمانانی که سابقاً  
 هرزگی شده بودند بقجای انجمن خائف نسبت ترک واری شده مان و عیال خود را بجا  
 برده بعد بیکر سکی را خاوار در انجا جمع شده اند

۲۶۲۵

مقرب الخاقان  
 جعفرقلیخان  
 اینجانی

### عربستان

از قراریکه در روزنامه عربستان نوشته امور آن ولایت بواسطه حسن کفایت و قراریکه  
 حکم که نواب مستطاب حاتم الدوله خان میرزا حکمران عربستان و لرستان و بروجرد  
 و بختیاری داده اند کمال انتظام و انضباط را اولاد و از حد امور محترمه بر اقبیت و  
 اتمام مقرب انخافان حاجی جابر خان میرزا منظم و مضبوط و نوکر بلوغ و عرب  
 سر خدمات نامور و پنا و بارهای شکار که از دریا میرسد در کمال امانت و اشد کی از شرط  
 کاران بکشی عمود کرده بجهل مالهای مکاری بشوشت میرسد و هم چنین امور واجب و حوز  
 از قراریکه نواب والا ابراهیم میرزا نایب الحکومه آنجا نوشته بوده اند منظم و مضبوط  
 طایفه از قبیله که زمستان هر سال بجاک حویره و او از آمده تا مسکام شتر خیلان در آنجا  
 اقامت مینمایند چند نوبت مصدر سرفت و شرات شده بودند چون نواب مستطاب  
 حاتم الدوله قدغن نموده بودند که متعرض آنها نشوند نواب ابراهیم میرزا آقا سید محمد  
 که در سرست ناصری نشسته است با چند سوار مأمور میان طایفه مزبور نمودند که بزبان  
 اموال مسروقه را از آنها مسترد سازند و پیغام دادند که اگر در ادای اموال مسروقه تعطل  
 نمایند حکم تباراج و غارت آنها خواهد شد مأمورین رفقه طایفه مزبور پس از اسحصار  
 کلیه اموال را رده نموده بعضی جزئیات که مانده بوده است در مقام ادای عودن و بها  
 آنها بوده اند از امور شوشتر نوشته اند که نظم کامل دارد در سنواه سابق در محلات  
 شوشتر سرفت اتفاق می افتاد اما سال چون شش بخت نفر از دزدان مشهور استخار الوان  
 حاتم الدوله در اوقات توقف در شوشتر گرفته مغلولاب بر دجر آورده و باطل  
 میباشند دردی در شوشتر هیچ اتفاق نمی افتد و کمال امانت از برای امانی آنجا حاصل است  
 و هم چنین اعراب بی لام که در کنار کرخه قریب بزر فول نشسته اند گوشه و کنار دست اندازی  
 و دزدی میکردند نواب ابراهیم میرزا مأمورین سواره در طرق و معابر آنها که اشتباه  
 چند دفعه که مرکب لغتی و سرفت شده اند صرفه بزرده گوشمال بیزا دیده اند لهذا دزدی را  
 در خاک و ز فول موقوف کرده اند

۲۶۲۶

### فارس

از قراریکه در روزنامه سبز ابوشهر نوشته اند امور انولایت بحسن مراقبت و کفایت  
مقرب انخافان احمد خان دریا بکی و حاکم ابوشهر و مضافات قرین اهلیت و انظام است  
و در رفاه حال رعایا و معیشت و ولایت و انجام محاسن و مرجوعات دیوانی کمال سعی و تمام  
بعل می آورد و خصوصاً در جمع آوری تفرقه رعایای خارک و مضافات و غیره که عالیه  
شیخ نصر خان را فرستاده و مشارالیه با کمال معقولیت و حسن سلوک تفرقه رعایای انخافان  
جمع آوری کرده و با نهایت دگر می با مور عیشتی خود مشغول است و طرق و شوارع را اعلیت  
عابین و مترودین باطنیان و خاطر جمع عبور و مرور نمایند و سجه کمال مراقبت مقرب انخافان  
مشارالیه سرقه کتر اتفاق می افتد و اگر احیاناً در وی اتفاق بیفتد اموال مسروق و سید  
شده بصاحبش تسلیم میشود و از قراریکه در روزنامه دارالعباده نیز  
نوشته اند مقرب انخافان محمد یوسف خان سرتیب و حاکم نبرد در نظم امور انولایت و انجام  
خدمات دیوانی نهایت مراقبت را بعل می آورد و پاره بدعتها که از مباشرین نسبت بر عی  
سابقاً معمول بوده است موقوف کرده از جهار بابان کل با مباشرین در ساختن مالیات  
بیهی خود را سرشکن رعایای جزو میگرداند و این فقره نسبت بر عیست ظلم فاحش بود درین  
از جانب مقرب انخافان مشارالیه و عالیجاه میرزا محمد شفیع مستوفی پیشکار انولایت قدغن  
شد که هر کس بیهی خود را خود ببرد و بار خود را بگردن رعیت نیندازد و اگر ارباب با حال  
و مباشری مرتکب اینگونه تعدیات شود مورد تنبیه و ترجمان باشد و نیز قدغن نموده آن  
که رسم خدمتانه و مخارج مأمور و محصل موقوف باشد و زیاده بر آنچه از دیوان حواله  
میشود حبه و دیناری هیچ اسم و رسم از رعایا مطالبه نشود و رعایا ازین فرار داد و کمال  
دعا کوفی و شکر گزارند و نیز در باب نظم شهر و محلات قدغن آید کرده اند که گرفته  
ه قراول و کدخدایان محلات مراقبت تمام در حفظ و حرارت محلات داشته باشند و در  
باب تعمیرات سربازخانه و توپخانه و بوتات دیوانی انجام نهایت تمام را نموده و اغلب  
انجام داد کمال استقامت تعمیر کرده

۲۶۲۷

### اجبار دول خارجی که از روزنامه‌های خارج ترجمه شده نوشته می‌شود

از قراریکه در روزنامه جریده "الحادث" از روزنامه لندن نوشته اند موجب تقصیراتی که سابقاً  
نوشته شده بود در باب کاشتین و بطن آوردن پنبه یکی دینار در مالک عثمانیه و ایتالیان و یونان  
صاحبان کارخانجات لندن قومیانیه ما بین خود قرار داده و تخم پنبه مزبور را بحال مرقوم فرستاده  
بودند و در این اوقات بجهت خرید و تکثیر این کارمجه داده هزار تومان وجه نیز از آن قومپانیه داده  
شده است که باز تخم پنبه یکی دینار خرید بحال مزبور ارسال دارند (دیگر نوشته اند که صاحبان  
و ایما مجده و جیلهای کونا کون آب بکوش مردم میمانند از جمله در این اوقات در جریده سبیل  
یکی ازین اصحاب سرفت بد و تقریر است آمده ساعتی از بطن در آورده گفته بود و خواهی مراضه  
و این ساعت را بهای نازل بشامیفر و ششم آن ساعت را دیده و پنبه دیده در باب قیمت گفتگو  
بودند اول قیمت گران گفته بعد از گفتگوی زیاد که مابین بائع و مشتری قرار است قیمت تومان  
قطع و فصل قیمت کرده و ساعت را در پیش چشم آنها میان کاغذی پیچیده و تسلیم آنها کرده خواهی  
گرفته گذشته بود بعد از رفتن مشارالیه مشتریها خواسته بودند ساعت را درست تا نشانمانند  
و قیمت کاغذ را کثوره بودند دیده بودند که سنگ چینی بجای ساعت در میان کاغذ ملفوف است  
و چند آن شخص رجوع کردند نیافتند (دیگر در روزنامه سابق نوشته شده بود که ملک دولت  
سپانیول با چند کشتی عزیمت سیاحت سواحل فرانسه را نموده و بکشتی سازخانه قادوس فرستاده  
شده بودند موجب روزنامه که بعد رسید از جانب دولتین انگلیس و انگلیس هر یک کتفه کشتی  
بخارجت احترام ملکه مشارالیه با خبره ارسال شده است که در اوقات سیاحت در محبت او باشند  
(دیگر نوشته اند که بجهت تشدید مبانی اتحاد حاصله ما بین دولتین انگلیس و فرانسه و اجراء رسم  
عیس و سرور در این اوقات از جانب دولت فرانسه جمعی از مورخان بخان نظام و صاحب نظر  
به دولت انگلیس فرستاده شده است که در محال مناسبه انگلیس بانگ مورخان مرتب کمال انقیاد  
و موافقت دولتین را کوشند خاص و عام نمایند) (دیگر از قرار روزنامه‌های لندن نوشته اند  
که تاکنون کالسه بخارجت از راه این خسته از راه دیگر معهود و ممتد اول بود حرکت نماید در این اوقات  
یکی از مضمندان انگلیس کالسه بخارجت ساخته و تقریر در آن کرده است که در هر جای روی زمین حرکت



به بند حرکت می کند اگر چه آن وقت و سرعت سیر که در کاسک راه آهن است در این کاسک نیست  
 ولی کار سازی میکند و مشارالیه این صنعت را بدولت انجمن عرض و بیان کرده است که شایع و  
 متداول نماید بجهت تجرید از یک کشتی سازخانه یک نوپ مشقت داشت بوند کاسک مزبور محل کرده  
 و بعد یک ساعت و نیم سافت اطراف را گردش کرده و کشتی سازخانه مزبور معاودت داده  
 (دیگر از فرار روزنامه های فرنگستان مانند زلزله شدیدی که چند وقت پیش ازین در ناپولی و  
 یافته زیاده از صد هزار کس را هلاک و خیلی اشخاص را بی خانه و اطلاق نمود در چهارم سوال بان  
 چنین زلزله در آنجا ظهور نمود و خصوصاً در ایالت و اسپینی قات و خیلی آدم تلف شده و ضرر زیاده  
 بمردم رسیده است) (دیگر نوشته اند که در هیچ جای یونانستان معدن ذغال سنگی نبود  
 در این اوقات بواسطه زلزله که در آنجا شده است در کوردوس که زلزله در آنجا از همه جائز شده  
 کرده بود یک مورن ذغال سنگی پیدا شده است) (دیگر نوشته اند که کشتی بسیار بزرگ که از آن  
 بزرگ کشتی تاکنون در هیچ دولتی ساخته نشده بود بواسطه قومپانیه که در لندن لیجیل یافته و ساخته  
 شده و بصورت تمام بدریا انداخته بود و در آنجا محض عسکر و توپ و سایر اسباب که کشتی مزبور بگذرانید  
 در این اوقات از جانب دولت انگلیس با قومپانیه مزبور باز ابرج و سایر انگلیسی مقرب است) (دیگر نوشته اند  
 که قبال دولت یونان بجهت مذاکره تعیین و لعیه خود و ملاقات نمودن با خوبان و عنو بان درین  
 نیز در اور خود که قبال با ویرا پیا شد غنیمت کرده است) (بقراریکه بکرات دور و زمانها نوشته  
 شده است چند وقت پیش ازین اغلب دولتهای فرنگستان بزیاد کردن قوه سجزه خود کوشیده  
 کشتیهای جنگی بسیار ساخته در این اوقات قبال دولت ناپولی نیز در بعضی کشتی سازخانه های مشایخ  
 خود سازنده قطعه کشتی بخار قرار داده است که در مدت قلیل با تمام برسانند) (دیگر نوشته اند  
 که از جانب جناب امرال ناپیر وکیل بحریه دولت انگلیس بعضی مذاکرات در مجلس مشورت شده بود  
 براینکه قوه بحریه دولت انگلیس مقابل قوه بحریه و بزیاد دولت فرانسه است و زیاد کردن قوه بحریه دولت  
 انگلیس در درجه و خوب است و بعضی کلمات مؤثره دیگر ایراد نموده که درین باب یک قومسیون مخصوص  
 باید ترتیب شود و از جانب وکلای ملت در این باب اعتراض شده است که اختیار کردن دولت انگلیس  
 در حالت ایس ایگونه تکلفات بی لزوم را سبب شبهه دولتهای دیگر میشود و میراث توهمات دولتی

۲۶۲۹



بعد از گفتگوهای بسیار قرار دادند که قوه سجزیه دولت انگلیس مقابل قوه سجزیه تمامی دولت‌های فرانسه  
 باید باشد و اگر حد سفاین و شکر سجزی انگلیس کمتر از همه آنها باشد باید زیاد بکند تا مقابل  
 آنها برسد و درین باب قرار گذاشتند که قومیون مخصوصی ترتیب بدهند (تفصیلی کتبی بر  
 که مقدار و چیز از هزار بارگیری او بود و در لندن ساخته بصورت تمام مدبر یا انداخته بود  
 بکرات و در روزنامه‌ها نوشته شده در این اوقات در لندن یک قومیون جدید  
 داده اند که شش قطعه کشتی بزرگتر از آن کشتی که هر یک نو هزار هزار بارگیری داشته باشد  
 و دوازده هزار آدم بگیرد و با زنده و قرار گذاشته اند که در مدت قلیل با تمام برسانند (سابقاً  
 نوشته شده بود که از امانی یکی دنیا شخصی صنعتی اختراع کرده است که اسب و سایر حیوانات  
 هر قدر شریک و سرکش باشند در ظرف یک ساعت مانند بته آرام می‌کند و آلا این صنعت را  
 کسی یاد نمی‌داد و موخر در لندن پنج هزار لیر گرفته و بعضی اشخاص تعلیم نموده بود و در این اوقات  
 نایب مباحثی گرفته و بدو هزار کس این صنعت را تعلیم کرده است) (دیگر نوشته اند که نواب  
 عزاندوق قسطنطین برادر اعلیحضرت امپراطور روس با چند کشتی عزیمت کرده اند که یک چند  
 سواحل دریای بالئیک را گردش و سیاحت نمایند) (سابقاً از روزنامه‌های فرانسه  
 نوشته بودند که جناب پاپای روم با فرمال دولت ناپولی در محل انجمنام بجهت داده و لیجندگی  
 عفاقت کرده بودند ولی بموجب اخباری که این اوقات رسیده است منظورشان ازین  
 عفاقت تصحیح احوال بلکه ابتدا با پیشه و درین باب تنظیم تعلیماتی بقوتفرانس پاریس ارسال  
 داشت) (دیگر نوشته اند که سجزیه و توقیف احوال دولت ناپولی کشتی فالباری نام مال دولت  
 ساردینیه را که مفدین با و سوار شده بعزم اختلال بناپولی آمده بودند و دستگیر دولت بناپولی  
 شدند مابین دولین ساردینیه و ناپولی برودتی حاصل شده و قطع رشته دوستی و سیاحت  
 نموده بودند و در باب التیام فیما بین آنها از جانب دولت انگلیس تشویقات بدولت کرده  
 ابلاغ شده بود که مابین دولین فرپورت توسط نماینده موجب روزنامه که این اوقات رسیده  
 قال دولت پروسیه اقدام در توسط مابین دولین فرپورت نموده است

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم خمسه بیستم شهر محرم مطابق ۱۲۷۴

ندرسید و نود و یک		منظبه دارالخلافه طهران
قیمت روزنامه		قیمت اعلانات
هر نسخه ده		هر طرزد ده

### اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

#### دارالخلافه طهران

بعد از تشریف فرمائی موکب فیروزی کوکب بیسیافات رودبار و شهرستانک بواسطه خوبی آب و هوای آنجا که نسبت بسایر بیسیافات کمال امتیاز دارد بوجدیچو سعود مبارک اعلیحضرت پیشه ایون شاهی خلد التذکة و سلطانہ زاید الوصف خوش گذشت اغلب روزها سوار شده بکاف و تفریح تشریف برده اند و روزیکه از منزل المار بهر چشمه رودخانه جاجرد که مشهور است بشکرات تشریف فرمایند چون کردند زیاده سخت و صعب المسالك و اغلب مراکب از خروج بغیر از آن خارج بودند سرکار آقا حسن ایون اسب عربی خاصه سواری وجود مبارک را که از کوه و دشت چون صرصر میگشت و در سنگلاخهای سخت آزموده و مجرب بود بایراق مرضع مکمل سجا بهر محض رافت عاقله سجناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم التفات فرمودند که سوار شده در کمال استعظا بمنزل برسند و بعد از آن نیز مقرر فرمودند که در هر وقت سواری همان اسب مخصوص بایراق مرضع سجا سواری جناب معظّم البیّه میردند و در عید سعید اضحی که شهرستانک محل توقف موکب فیروزی کوکب ایون بود سحر سرفرازان بقاعده متداوله در همانجا بعل آمد اگر چه از جا کران در بار شوکت مدار کمتر مقرر رکاب مبارک بودند لکن آنها که حضور داشتند بسلام حضور ایون معترف گردیدند از جانب سستی ایوانب ایون شاهی پادشاهی جیش و ابد المدیثه سواری یکسوی جیش ترمه لاکی شسته مکمل بایلاس که در کمال امتیاز و شمه اشش زیاد و سکین و ممتاز بود سجناب جلالت تاب مرحمت و عنایت شده و در روز سیزدهم نیز سرکار آقا

۲۶۳۱

هایون جناب معظم البدر در اصل هر چند رودخانه کرج که جای باصفاست و چند سنگ آب از یک  
 چشمه میجو شد و در نهایت سردی و لطافت است مخصوصاً بصیافت دعوت فرمودند جناب معظم البدر  
 نیز در رکاب حضرت انتساب هایون سوار شده پس چشمه مرزبوره تشریف بردند بعد از صرف نهار و  
 سیر و تفریح که بسیار نزدیک غروب بار دوی کیوان شکوه معاودت فرمودند (امور دارالخلافه)  
 طران از حسن مراقبت چاکران دیوان اعلی در عین انتظام است ثواب استیاب اشرف والا محمد علی  
 حکمران دارالخلافه طران در مقر حکومت بامور نظم و لایه و انجام مهمات دیوانی میپردازند و در  
 میرزا موسی وزیر دارالخلافه و عالیجنابان کلانتر و کدخدایان همه روزه تا هنگام عصر در دیوانخانه  
 مبارک مسئول غوررسی امور رعایا و امالی شهر میباشند چند نفر مقصره دزد و غیره که بدستیار  
 کدخدایان بدست آمده بود حسب احکام روز بعد از غیاضی هر یک بسبب ای عمل خود رسیدند (از  
 قشون نامور خراسان مقرب انخاقان عبدالعلی خان سرتیپ توپخانه مبارک و قاسم خان  
 فوج مخبران و حسن خان سرکرده سواره قراپاق با توپچی و سرباز و سواره ابوالجهمی خود وارد  
 دارالخلافه مبارک شدند و در روز دوازدهم و سیزدهم مقرب انخاقان نیجه الوزیر اعظم میرزا داود خان  
 وزیر لشکر با تعلق مقرب انخاقان امین لشکر و سایر لشکریان عظام از نیاوران بار دوی مرزبوره  
 آمده توپخانه و توپچی و سرباز و سواره را با کمال دقت سان دیده از جانب سسی ابوالجهمی  
 اقدس هایون شاهنشاهی خدای تعالی نسبت بصاحب منصبان و اعداد و افراد توپچی و سرباز و  
 سواره اظهار التفات نموده و احوال پرسید کرده وقت عصر به نیاوران مراجعت نمودند (از  
 فوج دماوندی ابوالجهمی مقرب انخاقان ابوالقاسم خان سرتیپ که چندی بحفاظت و اولیای نهایی  
 شهر نامور بودند در این اوقات مرخص شده متظیم امور قراولخانه بجهت فوج فیروز کوهی ابوالجهمی  
 عالیجاه میرزا قاسم خان سرمنگ محول گردید) (مقرب انخاقان حسنعلی خان سرتیپ و خبر  
 اجدادان خاصه حضور هایون بر حسب ناموسیت با کمال حسن سلوک در رسیدگی با سورات نظایر  
 و انتظام قراولخانههای شهر و محارست و قراولی عمارات مبارک و ارک هایون لازمه استقامت  
 بعمل می آورد) (نظر بطور محنت خاطر اقدس هایون شاهنشاهی و در باره مقرب انخاقان  
 پسر امیر الامراء العظام کشیکچی باشی یکظافه شال کشیری و یک ثوب قبای رزی از جانب سسی ابوالجهمی

۲۶۳۲

ملوکانه باو خلعت مرحمت گردید حسب الامر مأمور بخرشتر قربانی گردید و بجا لیجان اقا باخان  
 یوزباشی و پسر شاطر باشی نیز خلعت مایون مرحمت شده با اتفاق مقرب انخاقان محمد مهدیکان  
 مأمور بخرشتر قربانی شدند در روز عید اضحی پس از تدارک ملزومات عید نواب مستطاب  
 اشرف والا شاهزاده محمد تقی میرزا حکمران دارالخلافه در عمارت خورشید محفل و متعجبین عید  
 سعید را قرار داده مقرب انخاقان محمد مهدیکان بجنور نواب مغربی الیه شرفیاب شده و اذن  
 مرخصی بخرشتر قربانی را حاصل نموده بقانون معموله در مصطلای پهلوی بکارستان شتر قربانی  
 بخر نموده هر یک از اصناف سهمی که از اعضای شتر قربانی داشتند دریافت نمودند و در یک  
 مبارک اجزای شتیک عید گردیده مقرب انخاقان میرزا موسی وزیر دارالخلافه با ارباب مسلم  
 در شهر و عالیشان کلاتر و کدخدایان و صاحب منصبان نظام و خوانین و غیره بجنور نواب شاهزاده  
 آمده بعد از ادای خطبه بنام سرکار اقدس علیون شاهنشاهی خداوندکده و سلطانه صرف شربت  
 و شیرینی نموده بنازل خود مراجعت کردند **فارس** از قراریکه در روزنامه شهر  
 نوشته اند مقرب انخاقان احمد خان دریا بکی و حاکم بوشهر و مصنفات در نظم امور و کاتب  
 و اسخام مقامات دیوانی مراقبت تام بعمل می آورد از جمله کسبه بازار از قبیل نقال و خباز و علا  
 و غیره که معاملات آنها بوزن و میزان بود و تفاوت در سکنهای اوزان قرار داده بودند  
 سکن زیاده بجهت خریدن و سکن کم بجهت فروختن اجناس داشتند مقرب انخاقان مبارک  
 این تعلبات کسبه را موقوف دهشت بقدر کفایت اهل میزان شکر آهن مورد که یکس  
 بخصه و شکت مشال است ساخته بآنها داده و قدغن نمود که بآن سکنها داد و ستد نمایند  
 اگر معلوم شود که چیزی مردم فروخته اند مورد مواخذه و ترجمان باشند و هم چنین مصنف  
 بزبان نیز نیم وزعمای کوتاه داشتند آنها را هم موقوف کرده و نیم وزعمای آهن تمام بآنها داد  
 قدغن نمود که چیت و کرباس و غیره را بان نیم وزعمای بفر و شند (دیگر نوشته اند که هوای  
 بوشهر تا نیمه جوزا بسیار خوب بود بعد از آن رفته رفته گرم شده با علی درجه کرما رسیدند  
 در یازدهم و یغده به یکصد و پنج درجه حرارت بوده است و این اوقات تزلزل گرمای بوده است  
 چند روز قبل به یکصد و شصت درجه گرمی رسیده بود است

و نیز نوشته اند که در غزه شهر ذی قعدة الحرام یکفروند جهاز اتشی تجاری سخته بردن اهل حاج سخته  
از معدومه پیشی وارد لکرگاه بندر بوشهر شد هیچده روز قبل از میسی حرکت کرده بود ولی چند روز  
در مسقط و بندر عباسی و لنگه سخته پانین آوردن مال التجاره معطل شده بود از قرار مذکور کلیه مال التجاره  
در بندر عباسی و لنگه پانین کرده قیلی به بندر بوشهر آورده بود و جهاز مزبور سستی به پی نریست از فرای  
تقریر اهل آن جهاز هیچده فرونده بعد و پنج بوشهری و غیره از میسی بارگیری نموده بجانب بوشهری آمد  
در چهار فرسخ میسی طوفان شدیدی شده چهار روزه فروند آنها باره فی که در روی سطح بار کرده بود  
در بار سخته مراجعت میسی نمودند و چهار فروند آنها ناپید بود معلوم نبود که غرق شده اند یا اینکه  
و طوفان آنها را نسبت دیگر برده باشد و این خبر باعث حالت تجار گردید و این جهاز که سخته حمل حاج  
به بوشهر آمده بود چون حاج بقدر کار سازی جهاز بود رفتن بجانب حده و کت را موقوف کرده  
اهل جهاز جناب داشته اند که اسب و مال التجاره حمل کرده میسی معاودت نمایند (دیگر نوشته اند  
که یک فروند بکاره از حیات و او که از مصانعات بوشهر است گاه حمل کرده به بوشهر می آمد در  
نزدیکی لکرگاه بوشهر غرق شده چهار نفر زن و دو دختر که یکی دو اوزده ساله و دیگری نه ساله  
بود غرق شدند زنها را اهل سفاین نجات سپردن آوردند و دختر را آب برده روز دیگر بکاره  
از جماعت مای گبره از مواضع بعیده به بوشهر می آمد در روی آب چیزی از دور نمودار شده بکاره  
با نظرت رانده غش و ختری را دیده بودند او را از آب سپردن آورده دیده بودند نیم نفسی دارد  
او را سر از بر او بخته بود تا آب زیاد از گلوی او آمده کم کم بچال آمده بود و این آن دختر و او را  
سال بود که یک شبانه روز در آب بوده و از تفصیلات الهی جان دوباره یافته او را به بوشهر آورد  
تسیم کسان او نمودند و از آن دختر نه ساله اثری ظاهر نشد (دیگر نوشته اند که در غزه ذی قعدة  
نزدیک سحر زلزله شدیدی در بوشهر شد ولی خرابی بجائی و اذیت بکسی نرساند و روز غزه  
مزبور نیز چهار نوبت بار زمین حرکت خفیف نمود) (دیگر نوشته اند مقرب الخاقان در باب سخته  
در جانی که لنگه انداخته بودند و نشسته بود بعد از فرخت در وقتی که برخواست سخته رفت که سخته  
نشسته بیاید رنگه به بند و از قضایای اتفاقیه که بخیر گذشت مفارن داخل شدن او بخزیه پنج عدد  
هزاره که هر یک بیت من بیشتر وزن داشت از پارامه بروی لنگه انداخته بود اتفاقا که در بر سخته بود

۲۶۳۲

اخبار دول خارجی که از روزنامه‌های خارجی ترجمه شده نوشته میشود  
 از فرار یک در روزنامه جدید و اسرار است با اسلا بول نوشته بودند چهار قطعه کشتی که در لندن بجهت  
 دولت عثمانیه ساخته شده بود بمقتضای مصالح عمومی که بابت کشتیهای منور را به بحر سیاه فرستادند  
 با نجات رسال نمودند ولی در روزنامه بعد نوشته اند که آن کشتیها را به بحر سیاه فرستاده اند بلکه  
 با اسلا بول وارد کرده و فرار شد که در امور سایر کشتی سازخانه اسلا بول در کار باشند و سواختی  
 اینها در قطعه کشتی دیگر بجهت دولت عثمانیه قرار شده است که در لندن در مدت پنج شش ماه با تمام  
 برسانند بعد از آنکه آنها تمام شده با اسلا بول رسید بقدر لزوم از آنها به بحر سیاه خوانند انداخت  
 (دیگر نوشته اند که والی و الا ان مصر مخصوص سواری خود یک کالک که بخار در لندن سفارش کرده  
 بودند که بازند در این اوقات با تمام رسیده است و بحسب زینت و تصنیفات تا کنون کالک  
 باین خوبی باشد نه شده است) (دیگر نوشته اند که بموجب اجباری که از اوردند رسیده است محصول  
 ابریشم در اینجا امسال بسیار خوب و زیاد آمد است و سال آینده را کمان و اوردند که بیشتر از امسال  
 هم بیل بیاید) (دیگر نوشته اند که در مقصد قطعه طوفان شدیدی در اوردند شده و ترکی بدستی  
 تخم مرغ باریده بود اگر چه کمان داشتند که ضرر زیاد رسانده باشد ولی بموجب اخبار جدید  
 صرزی بمحصل و باغات رسانده است) (دیگر نوشته اند که پسر و برادر پادشاه فارسین  
 زیارت بیت الله احرام نموده از جانب دولت انجلیس یک کشتی بجهت سواری آنها ارسال شده  
 بود مشارالیه بان کشتی را گنبا با سکنه ریه وارد شده اند و از جانب والی و الا شان مصر لوازم  
 توقیر و احترام آنها بیل آمده از راه سویس عازم که مقصد کرده اند) (دیگر از روزنامه پاریس  
 نوشته اند که نواب پرنس ناپلیان عموزاده اعلی حضرت امیر اطور فرانسه بقایم معالی خیر انصوب  
 شده و مسالی و در کرد فرائق بجهت مخارج نواب معزی الیه بر آورد و معین کرده اند) (دیگر نوشته  
 که بجهت محافظت لنگرگاه بزرگ ماریسیا که در جهت جنوبی فرانسه است قلعجانی از جانب دولت پاریس  
 ساخته شده و راه اخرا بلیس گذشته توپها را در ان قلعها شروع کرده اند بگذاردند) (دیگر نوشته  
 که از شاگردان کتب بجزیه فرانسه یک صنف بجهت تحصیل اصول بجزیه کشتی دولتی سوار شده غایب  
 سیاحت بعضی سواحل کرده اند) (دیگر از روزنامه لندن نوشته اند که نواب پرنس البر

شهر علیحضرت پادشاه انگلیس پستان که غراند و غوطه یعنی حکمران آنجاست بجهت پیر و مستن بود  
 اراده کرده بود و آتای معزی الیه را و بعد نماید چون آتای معزی الیه استغفا نمودند لهذا برادر کوچک  
 ایشان بود بعدی برقرار شده و مشارالیه در این اوقات مشغول تحصیل زبان منس فیاض  
 (دیگر نوشته اند که قوال دولت ساردینیه در این اوقات مالک ریز حکومت خود را کرده  
 و سیاحت نمایند و بهر قریه و قصبه و شهری که وارد میشوند معتبران ملت را بصیافت دعوت کرده  
 بعضی بر سر سفره قوال مشارالیه نشسته طعام تناول می نمایند و اکثر اوقات در سر سفره قوال بر سر  
 دولت نفوذ و ولایت بچاقو و شام و نهار حاضر میشوند و در هر محل از طرف امانی لوازم اکرام و  
 احترام قوال مزبور بعمل می آید) (دیگر از قرار روزنامه ساردینیه از جانب دولت ساردینیه در  
 استریه قلعه الکسندر نام ساخته شده و پانصد قطعه توپ در آنجا قرار داده شده بود و بگذرد  
 در این اوقات توپخانه را که در آن قلعه وضع میکنند به نصد قطعه قرار داده اند و ششصد قطعه  
 از آن توپخانه ساخته شده سیصد توپ دیگر هم میریزند و سابقاً نیز از طرف بعضی امانی توپخانه  
 توپ داده شده) (دیگر نوشته اند که دو کشتی جنگی یکی از انگلیس و دیگری از روسیه  
 میرفتند در رس امید بهم رسیده امانی کشتیها بشهر آمد و بودند از آحاد قشون انگلیس که در آن کشتی  
 بودند یکی در نوارده سابق یکدش در جنگ افتاده بود در اینجا حرف خود را دیده و شناخته کردند  
 او را گرفته و دست خود را مطالبه کرده بود طرفین مجدداً منازعه نموده طرفداران آنها بکشتیها  
 و معرکه ظلیف شد و جمعی درین میانه مقبول و مجروح شده بودند بالاخره از جانب ضابطان طرفین  
 تادیبات لایقه اجرا گردیده رفع نزاع شده بود) (دیگر از قرار روزنامه لندن یک کشتی جنگی  
 که بخت مشکستی با انباری باشد و در طرف او مانند شمشیر آلات خارج و وضع باشد که هر  
 کشتی که با او مقابل شود سگته و عرق نماید از جانب علیحضرت ملکه انگلیس بولکیس دولت فرود حکم  
 شده است که باز که در هنگام حرب بکار بندارند و در مجلس سجزیه این مطلب مذکور شده است  
 (دیگر نوشته اند که دانش زلزله که در ناپولی اتفاق افتاده و بکرات در روزنامهها نوشته شده بود  
 زلزله آتش کوه سوزنده که در مقابل ناپولی است زیاد شد و پنج چشمة دیگر از او پیدا گردید و از آنها نظری  
 نداشتند که آتشی جاری کردید یک قطعه از بناغات را که در امان کوه مزبور بود سوزانده ضرر زیاد رسانده است

۲۶۳۶





چون منظور نظر اقدس بن یون سرکار عالی حضرت شاهنشاهی خلد اتمه ملکه و سلطانه ظهور هر نوع شوق  
و مرهم شاهانه نسبت جناب جلالت آیت نظام الملک است و جناب معتمدی الیه را میجو  
از کل مراتب عالییه و مقامات بلند که همیشه خاصه چاکران بزرگ در باری بوده است بهره یاب فرستند  
و مراتب اعتبار و علو شان و مکان ایشان را مسمو و خاص و عام سازند لهذا درین عید قربان  
گذشتند که اندک نقاشی در مزاج جناب شرف امجد ارفع صدر مرهم عظیم تختم عارض شده بود و بین  
واسطه از درک فیض حضور مرهم ظهور یون و مورد خطاب مستطاب مبارک بودن معذور بودند  
باشاره علیه یون مقرر شد که امروز را جناب جلالت آیت نظام الملک تمام خطب مستطاب با  
سلام عام فایز و سیاهی و محل خطبات سرکار عالی حضرت شاهنشاهی باشد بعد از آنکه صفوف سلام  
مستعد گردید و جناب جلالت آیت معزی الیه بموجب فرموده عمل نمودند بطوریکه شایسته و سرور  
بود از عهد و عرض جواب فرمایشهای ملوکانه برآمدند و در هر معوقه که انضاظ و تخر بار پادشاهی اویز  
کوشش ارادت و فدوت ایشان میشد جوابهای مناسب مقام عرض پادشاهی میرسانیدند بطور  
تقاعد آتیه و رسم عبودیت جمیع حواس خود را صرف عرض جواب فرمایشهای ملوکانه نمودند  
که در پیشگاه مقدس محل قبول یافت و براعتاد و التفات ضمیر اقدس اعلی در حق ایشان که  
باعلی در وجه کمال است افزود و در مراتب سخن سنجی و فصاحت تقریر ایشان در نظرنا جلوه تمام نمود و احوال  
از احوال جناب جلالت آیت شرف امجد صدر اعظم فرموده و زیاده اظهار رحمت فرمودند و تختم  
سلام بالتفات و رحمت جناب جلالت آیت صدر اعظم تختم شد (چون معرفت انخافان <sup>الملک</sup>  
همواره اوقات سفر اخصر اوقات شام و بنهار خاص وجود فائض بود اقدس بن یون بوده <sup>حضور</sup>  
درین سفر سیاقات لوراد شهنشاه که خاطر اقدس ملوکانه از حسن خدمتگذاری معرفت انخافان  
مشار الیه زیاده قرین فرسندی در رضامندی گردید لهذا بعد از دور بود و موکب های یون به نیوان  
یکتوب کلجه تر مرز مردی بسیار خوب که از ملابس خاص بدن مبارک بود بجهت مزید مفاخرت و مهابت  
او برسم خلعت مرحمت فرمودند) (چون در اوقات تشریف فرمائی موکب سنیر و زنی کوکبت  
شهنشاهک عالیجاه میرزا محمد با رعایای آنجا با استقبال موکب های یون آمده کا و کو مستعد زیاد  
قربانی کرده و لوازم خدمتگذاری و جان نثاری را بعل آورده بودند لهذا مورد توجیس و مرهم ملوکانه

۲۶۳۸

گردید. یک طاق شال کرمانی بعالیجاه میرزا محمد رحمت شده و سه نفر از کد خدا بان آنجا نیز بخت مبارک  
 فتح گردیدند. در نظر مبارک شایسته کی متوکل حضرت اعلیٰ حاجی حسین خان بر وجودی شمول رحمت  
 خاطر اقدس سنجایون شایسته در بار مبارک البدر این اوقات بوجوب فرمان در لجان مبارک  
 اورا بنبیبات اول ایشیک آقاسی شایسته گری در بار سنجایون سرافراز فرموده و بکوشش جبهه تری  
 از صند و قیام مبارک با و غلت رحمت گردید و در روز عید غدیر نیز سنجایکی مبارک شرفیاب  
 گردید. مورد رحمت و عنایت شد. اصغمان از فرار یک در روزنامه اصغمان نوشته شد  
 امیر الامراء العظام عیسی خان والی حکمران دار السلطنه اصغمان در نظم امور ولایت رسیدگی  
 بعرض و وادعیت و انجام محاکات دیوانی مراقبات کافی پس می آورد اغلب اوقات را در  
 چهل ستون مستغنیصل امور سپردار و در باب وصول و ایصال مالیات کاشتگان معقول  
 کاروان معین کرده که بار عایا طریق رفیق و مدار اسلوک داشته از رسوم لغدی محرز باشند  
 خالصات دیوانی را حکم باز دید و مختصری ضمیمه آنها را داده با مشربین امین گذاشته است بعضی از  
 بلوکات را که بدون ضابطه بودند بهر یک ضابطه معین نموده است از جمله نجف آباد را عالیجاه  
 محمد یوسف خان گسب بقانایب الحکومه بود و قهاب را بنواب نورالدین میرزا و جی را بنابر افضل  
 و کذا نموده و امور بلوکات و نواحی همه جهت تنظیم مصبوط است و نیز در باب امنیت شهر و کلیات  
 مواظبت کامل معمول داشته سرفقت و شجارت بندرت اگر اتفاق بیفتد در مقام رفع و سزای  
 و جزای آن بر می آید و در واد و کد خدا بان دستخطین بنایت مراقبت را در حفظ و حرمت شهر  
 و محلات دارند و مالی دلاست از علمای اعلام و سادات ذوی الاحترام و اعزّه و عیان و رعایا و کسبه  
 کمال سزگداری و دعا کوفی را دارند و نیز بکار فوج و توپچی و سایر نوکر متوقف اصغمان هم در  
 و رسیدگی کامل نموده فوج ابواب جمع عالیجاه ابوالفتح خان و توپچی متوقف اصغمان همه روزه  
 مشق میباشند و علمای ابواب جمع عالیجاه حسنعلی خان مشغول انجام خدمات محوله بنجود میباشند  
 و علمای ابواب جمع عالیجاه ایاز خان یوزباشی را که بدقی بود سان آنها دیده نشده بود در این  
 اوقات آنها را احضار کرده و بدقت سان آنها را از آدم و اسب و اسباب دیده  
 نموده خدمات محوله بنجود میباشند

۲۶۳۹

### کرمانشاهان

از فراری که در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند امور اولایت ارض اتمام و مراقبت لوآب عماد الدوله  
 حکمران کرمانشاهان و سرحدات عراقین قرین انتظام است و لوآب معزی الیه در نظم ولایت و رفاه  
 حال رعیت و انجام خدمات و مهمات دیوانی کمال مواظبت را بعمل می آورند و همچنین در امور افواج و توپچی  
 متوقف و ارا له که کرمانشاهان رسیدگی کامل بعمل می آورند از جمله بکریز مقرر و استند که عالیجاهان  
 سرسبز فوج کلیایکانی و ملک بنارخان سرسبز فوج کرندی و محسن خان سرسبز فوج رنگه و لوآب  
 عبدالباقی میرزا سرسبز فوج کلیایکانی و عالیجاه فرج الله پیک یا در توپخانه افواج و توپچی را در خارج شهر  
 حاضر نمایند و مشق جنگ بکنند مشرک الیهم سرسبز و توپچی و توپها را سپردن کشیده و در فضائی که بالای سر  
 قبر آقا مشهور است تربیع جنگ بوقت شکر دادند و لوآب عماد الدوله بملاحظه و تماشا می آنها حاضر  
 بعد از آن سرسبز و توپچی بنامی شلیک و پورش را گذاشته در کمال اراستگی و چالاک می مشق نمودند و  
 آنها شخص پسندیده افتاده احاد و افراد مورد تحسین و توارش گردیدند روز دیگر توپچیان حسب حکم  
 شش عراده توپ پره کن در وازنه سمت بغداد کشیده و نشان گذاشته در حضور لوآب معزی الیه  
 مشغول تیراندازی شدند و نهایت مهارت و جلدی و چابکی را ظاهر ساختند چنانچه چهل تیر توپ که نشان  
 زدند سیران بخلاف بقای باقیمانده زدن لوآب معزی الیه زیاده آنها را تحسین نموده و وجهی با آنها انجام  
 گردید

**کرمانشاهان** از فراری که در روزنامه جوارز و نوشته اند رسیدم اذ نامی که همه اوقات در  
 کوهما رسید و شکار مشغول بود این اوقات در کوه نزدیک غاری شکاری بنظر آورده او را بدف کوله  
 ساخته شکار تیر خورده و در غلطیده بر در غار افتاده مشار الیه بر سر شکار دویده بود که او را در هیچ نمایند و  
 بعد غار رسیده بود ناگاه پلکی از غار سپردن حبه و سر شکاری را بدین برده چنان قوت کرده بود که سرش  
 در دهن پلنگ مانده و تن او را گوه سر از بر شده تا پایان کوه هم مسافتی بود از تیره به تیره و کم کم خورده زیر  
 شده پستی کوه افتاده بود بعد از چند روز لشک او را در پهلوی لاشه پارچه پارچه شده او دیده شناخته بود  
 نقش او را با انعکس سجاز و آوردند (دیگر نوشته اند که در خانی شور که از معطلات جوارز و دست زنی دختر و  
 با هم آورده دختر صبح الاعضاست ولی پسر مرد و شش بگردن چسبده و از گردن جدا نمی شود و کجب چند از دست  
 درست تر است و مانند سایر اطفال صنایع شیر می خورد و پانزدهم ذی قعد که روز چهارم از نوشته بود و در روز

۲۶۲۰



اخبار دول خارجه که از روزنامه های خارجه ترجمه نوشته میشود  
 از قراریکه در روزنامه جریده الحوادث اسلامبول نوشته اند حاصل ابرشیم چه جنوبی ممالک  
 چند سال است بروجه مطلوب بعلم نمی آید در سال گذشته بجهت اشتراکی تخم ابرشیم از بعضی ممالک  
 عثمانیه که ابرشیم خوب از آنجا بعضی می آید نامورین مخصوص از فرانس آمده بودند در این اوقات  
 چند نفر نامور مخصوص و بعضی از تجار فرانس بجهت خریداری تخم ابرشیم با اسلامبول آمده اند (دیگر  
 دیگر از قرار اخبار فرنگستان نوشته اند که نواب پرنس البر شوهر اعلیحضرت ملکه آلیسین بجهت دیدن  
 و خسر ملکه مزبور که پسر ولیعهد وال دولت پرستیه عقد و تزویج شده است تبدیلا غریب بر  
 پای تخت دولت پرستیه رانموده است) (دیگر نوشته اند که در جزیره سسنت پیتیه محلی را  
 که نامپیان بزرگ در آنجا مدفون است با اراضی لونور خود نام که در جوار آنجا و در ملکیت شخصی مجلس بود  
 در این اوقات اعلیحضرت ملکه انگلیس خرید و با اعلیحضرت امپراطور فرانسه بدیده نموده است) (دیگر نوشته  
 که اعلیحضرت امپراطور پرتغال یک کشتی بخار مخصوص سواری خود سفارش کرده بودند که در لندن ساخته  
 در این اوقات کشتی مزبور با تمام رسیده و بسیار سریع اسیرت بطوری که در یک ساعت نوزده  
 میل مسافت را قطع میکند) (دیگر نوشته اند که از هندستان اورسینی و پیه ری نام که قصد اعلیحضرت  
 امپراطور فرانسه را کرده بودند و بعد از نقل و اعدام اورسینی و پیه ری تاکنون در فرانس محبوس  
 بودند و نفرد دیو و غوس نام با بعضی از اصحاب جرایم در این اوقات از جانب دولت فرانسه  
 بجزیره غایت نام که در فرانس واقع است نفی و اجلا شده اند) (دیگر از قرار روزنامه بلجیقا در این  
 اوقات پسر بزرگ فرانس بلجیقا بجهت خرید اسلحام و متاسفانه آنور و ساختن باستان در بعضی  
 محال دیگر آن دولت عزیمت کردش آن ولایات را کرده است) (موجب مششاری که در این اوقات  
 در ممالک روس کرده و در روزنامه پترزبورگ نشر و اعلان نموده سوای مذکور و سایر بنامی که در اول تابست  
 اسلام پنج کرد و دویست و پنجاه هزار کتولیک عسوی حج کرده و صد و هزار از آن کتولیک و کرد و دویست هزار روم  
 هفت کرده و صد هزار روستا مذمت کرده و دویست و پنجاه هزار روس  
 بیست هزار که جمیعا سوای مذمت خود روس چهل و سه کرده و دویست و پنجاه هزار کس میباشند  
 از سایر ممالک که در دولت روس ممکن دارند

v

در سبب چهارم که پیش گفته در المانیاز لرزه شدید شد و بعضی ارباب ساندولی تفصیل آن منور شده است  
از قرار یک در روزنامه های فرنگستان نوشته اند چنانچه چندان است که بحاصل کمزور و فرنگستان  
افتی روی داده و کمزور را خراب میکند درین سال نیز در فرانسه و اسپانول و ایتالیا و پورتوگال این  
افت با کمزور رسیده و صاحبان باغات کمزور این مرحد در چارخسارت و زبان شده اند ( )  
و بگویند نوشته اند که ما بین فرنگستان و یونکی دنیا که هزار فرسخ مسافت در باستان از جانب دولت  
انگلیس و جمهوری یونکی دنیا را داده شده بود که نسیم تلغراف کشیده شود آن وقت این کار  
بود در این اوقات آلات داد و ات تلغراف را در دو کشتی گذاشته بودند در بیای فرور برده اند  
که در آنجا سه نسیم تلغراف را بهم وصل کرده یکدیگر را با انگلیس و یکدیگر را با یونکی دنیا بکنند ( ) و دیگر  
که از امانی نند شخصی بلند آمده و چیزی مانند خمره بقوت ده اسب ساخته است که آب را با آن  
و باین واسطه را از رزان کرده است چنانکه بیست و پنج من آب را در دنیا میفرودند و هر اوزار  
را با او بکشین کرده اند ولی بکسی تعلیم نموده است و در این اوقات غرمت معاودت بندوستان  
گروه است ( ) دیگر از قرار روزنامه لندن در فرنگستان چینی از متولین که از مدروما در میراث  
برای آنها نمانده اند اوقات خود را صرف تحصیل هنر و صنعت کرده اند و بعضی هم صنایعی که فایده  
اند برای کسی ندارند ولی حیرت افزای عقول و محض تماشا است ایجاد و اختراع کرده اند و چیزی را  
غریبه بنظر رسانده اند از جمله یکی یک صندوق بزرگ ساخته است در میان او بعضی صور مجسمه  
نموده است که بواسطه آلات حرکت می کنند از جمله یک شکاری تعکس در دست آمده در میان جنگلی  
که با شکار کونا کون مشغول است بگردد و از یک طرفش بخری که چنان نفع نموده است که گویا آب آن در  
در جریان است از روی آن نهر پر و از می کند و شکاری تعکس را به دست کشیده او را میزند  
و اردک تیر خورده بزین می افتد شکاری او را برداشته در میان توپره خود میگذارد و در کن  
نهر میزور بعضی ماهی آبی سر می کشند و بواسطه چراغ در جنگل آنجا سب می تا به بعد از آن مانند  
صنایع مهتاب ظهور می کند و بعد از مدتی گویا زمستان می شود و برگهای اشجار کف و میزور بعد از  
برف شروع می کند بباریدن و حکم زمستان جاری می شود اگر چه همه اینها در تماشا خانه ها دیده شده  
ولی در آنجا بواسطه انسان این اعمال ظهور می یابد اما این شخص با آلات بسیار نازک که در درجه لایری است

۲۶۴۳



این صنایع را بکار برده است از آنکه جنسی صنعت عزیزه بکار برده است مورد تحسین بیان گردیده است  
 (دیگر از قرار روزنامه پاریس شخصی از این برود که در فرانسه ساکن بود شب در خواب دیده بود  
 که در فلان وقت وفات خواهد نمود با نهایت خوف تا آنوقت که در خواب دیده بود و احتظار مرد  
 می کشید اگر چه در آن وقت معین فوت شد ولی از شدت و امید غلغله بود و عارض شده بود  
 که بعد از ده بیت روز فوت شد) (دیگر از قرار روزنامه لندن که نشر و اعلان کرده اند بحساب منجمین  
 در ایلول آینده آفتاب بگیرد و تجرید تحقیق احوالات ششمین یک محل مناسب در جهت جنوبی یکی دنیا معین  
 که اصحاب بیست و نجوم در آنجا جمع آمده تحقیق مراتب مزبور نماید هر کس از منجمین یا نجار بود و ماکول  
 مشروب او از جانب دولت انگلیس مجاز داده میشود و یک کشتی بخار نیز از جانب دولت انگلیس مخصوص  
 منجمین مزبور است) (دیگر نوشته اند که چند وقت پیش ازین در استرالیه در محل قورنبر نام طوفانی شدید  
 ظهور کرده و باد سختی وزید است بطوریکه ریاده از چهار درخت از ریشه کنده و خیلی خرابی و ضررهای  
 دیگر نیز رسانده است) (دیگر نوشته اند که یک کلیت می سپار بزرگ با تکلفات و متانت زیاد در سی و  
 سال قبل ازین در سنت بطرز بوع پای تحت دولت روس بنا گذاشته بودند در این اوقات با تمام  
 رسیده و هشتاد بطوری است که شش هزار کس در او میستوانند عبادت و اعتکاف نمایند) (دیگر  
 نوشته اند که در فرنگستان بوجوب قانون قدیمه اگر زنی بدو عمل اتفاق بیفتد و شوهرش مطلع بشود او را  
 نمیتواند طلاق بدهد و اگر هم بصورت تمام شوهر را طلاق بگوید با دام العریضی تواند زن دیگر بگیرد و آن  
 زن را هم طلاق گفته است باید زیاد از شکل خود محاسن بد بدو این کیفیت فتنه رفته باعث  
 حسرت و مشکلات میشود در این اوقات دولت انگلیس قرار گذاشته است که این اصول قدیمه را  
 لغو و متروک داشته بعد ازین اگر از زنی افعال قبیحه یا بجا سرزند و شوهرش بتواند ثابت کند بقانون  
 نظام جدید که احداث میشود مختار در طلاق او باشد و التزاماتی که درین باب در اصول قدیمه معمول  
 بود موقوف و متروک باشد) (در روزنامه سابق نوشته شده بود که در یونانستان معدن زغال سنگی  
 بعد از وقوع این زلزله تازه در محل را قوی نام معدن زغال پیدا شده و بجهت کشف و معاینه او  
 در این اوقات از قورن و نفر همدس با بجا برده اند که معدن مزبور را بر راه انداخته اند  
 و سبب در او بکار میندارند

۲۹۲۲





در محنت خاطر جان بدید باید یا چنین چنانی در محله جان با خور کند اینگونه محولات بدیهی است از مردمان لغوی  
 که اینکرتاشی و منتشر شود که باین دست او بر چند روزی با طر استبار کند یا بدزدی و هرزگی در کوه و باران  
 نامدار پیدا با کمال دقت و غور روی اشخاصی را که راوی این اخبار هستند بدست آورده تحقیق کند تا طبعی هر جا بود  
 بمقتضای مقتضای اخبار الیه او را گرفته اگر کسی است که در اینجا باید تنبیه شود سیاست کامل و توبه علی یلیق از  
 لعل آورده اگر کسی است که باید در مظان فرستاد روانه و از اینجا نماید تا اینجا هم بر حسب خاطر مبارک را در بار  
 جناب معزی الیه مشاهده نماید و هم ثمر و فواید اشعار را بیکونه اخبار کا و نه را دریافت کند تا بعد از این هر کس ازین  
 کوئی و هرزه در افی عبرت گرفته ازین پس کسی اینگونه خیالات مقالات پیش بخیر و دو کو که می محترم ما را  
 شب و روز آرام و قرار بر خود حرام کرده نیا سود و لغوه نماید بر چه سلطنت رسید و اسباب شکوه سلطنت  
 آفتاب کیمت ما کردید الت اخبار باران کند التبه در آزار و آذیت اینگونه اشعار راوی این اخبار انهم کا  
 که تاهی نماید حسب المقرر معمول در مرتب داشته در عهد سنا سحرانی شهر دیجه ۱۲۷۳

و بهین مضمون فرمان مبارک بعد مقتضای اخبار حسین پاشا خان میرنجه شرف سعد و باقیه دستخط جان بدید  
 فرمان جان بدید باین مضمون شرف سعد و یاقوت حسین پاشا خان التبه از قرار این فرمان معمول شده مردمان و ل  
 هرزه رای را با اطلاع رکن الدوله و وزیر نظام سیاست کند التبه هر کس این نوع اخبار را ارجیف نکوبد و  
 میدد شرف سعد و عرقا واجب التصل است ( ) نوکری که از جانب اولیای دولت علیه نامور شده  
 میشوند و ظیفه و تکلیف نوکری آنها این است که بعد از دور و زبان طبعی که نامورند از عهد ناموریت خود  
 سجاور نکند و تصدی و ایتهام جان خدمت را مایه رو سفیدی خود دانند خاصه صاحبان نظام که  
 بجای سانی رای جهان آرای جان بدید که در ناموریت ولایت سجدت مباشری اقدام نمایند و لکن جان بدید  
 مصطفی قیچان میرنجه که با سر باز خود سجدت فارس نامور شده بود با اینکه شغل و خدمت او از نظام  
 بعد از دور و با سجا حکومت و عالی لاریسجه را از کار گذاران امور دیوانی آن مملکت قبول کرده بمقتضای  
 این شغل شده بود و گذشته از اینکه این حرکت او از عهد ناموریتش خارج از جانب اولیای دولت  
 علیه بقبول چنین خدمتی مآذون و مشخص نبود پس از قبول حکومت و عالی لاریسجه از سجا در حاکم  
 نیز در افتاده بنای لغتی نسبت بر عایا و الی اسجا که داشته بود و معتبر اینکه در شکار واری سر باز خود  
 نیز ایتام درستی کرده آنها را مورد بر بند با کمال فلاکت در بار جان بدید آورد و مواجبت و حیرت آنها را

۲۶۴۷

درست نرسانده بود از آنجا که مراتب تعبدات و این نوع حرکات او که فی الحقیقه فردا وقتی که ملاحظه شد  
 هر کدام تقصیر بزرگی است بعضی اولیای دولت علیه رسیده و زیاده از اندازه مایه تغیر خاطر حضرت مبارک  
 سرکار اعلی حضرت شایسته خلد الله ملکه و سلطانه گردید لهذا این اوقات که عالیجاه مشارالیه بر کاتب  
 آمد سرکار اعلی حضرت شایسته او را بمعرض خطاب و عتاب در آورده و رازهای آن حرکات خود سرا  
 و متعذیان اش حکم سیاست فرمودند و چون قهر جاری و غضب شهرباری را تا شفاعت و واسطه  
 و سلیط مقرون نشود عاصی و معتر را بوقت امید نجات و بقای حیات نخواهد بود لهذا جناب جلالت  
 اشرف امجد اکرم اعظم الله و له العلیه صدر اعظم فخرم بعد از اطلاع بر این حکم سیاست با عرض بعضی  
 در مقام شفاعت و عضو تقصیرات او بر آمد جناب جلالت اب نظام الملک و مقرب الحاقان <sup>الاعظم</sup> میرزا  
 میرزا داد و خان وزیر شکر نیز که در آن وقت در حضور بایون شرف اندوز بودند از روی عجز و انگیختن  
 شفاعت بوسید بخش سیاست او را از خاکهای مبارک درخواست و استدعا نمودند سرکار اعلی حضرت  
 اقدس شایسته نیز بتوسط شفاعت این سلیط که قرب حضور داشتند از سیاست او گذشت نمود  
 ام و معتر فرمودند که در رازهای آن حرکات و تقصیراتش چیزی از تو مان پیشکش بود ان اعلی بدین عمل  
 عبرت عموم جا کران شده و بچکدام از حد مأموریت خود تجاوز نهند و از این نظام بهر کس بخدمتی مأمور شود  
 عالی قبول نکند (از فرار روزنامه های ولایات که در این روزها رسیده و میرسد حکام و صاحبان  
 و عموم امانی و اعیان هر یک از مالک محروسه بخش اسبهار از قضیه ناله و فغان نواب عفران باب  
 و لعیب طوبی مهد مجلس تغزیه داری و سوکواری بر پانموده اطعام فقرا و مساکین و طلبه عای بقای وجود  
 و بنحود بایون سرکار اعلی حضرت شایسته را اقدام نموده تمامی کسبه و اصناف در جایا در هر یک از  
 بلاد و محال مالک محروسه تا سه روز دکا کین و بازار را بسته و در مجلس غزا داری حکام حاضر شده  
 لوازم غزا داری را بجل می آورده اند اگر چه تکرار این واقعه جان فرسا موجب از دیاد و حزن و ملامت خاطر  
 ولی چون کل امانی مالک محروسه از حکام و محکوم رسم غزا داری را بجل آورده مختصری از تقصیراتی که در روزنامه  
 ولایات نوشته بودند در این روزنامه مسطور گردید (دیگر تعزیریکه در روزنامه های ولایات نوشته اند اسامی  
 در اغلب ولایات هوا زیاد تر از سالهای دیگر گرم شده و حرارت مفرط شدت داشته است خصوصاً در  
 کرمیرات و بندر فارس که کما کمال شدت را داشته است ولی این شدت که هیچ قسم ناخوشی در میان مردم ظهور  
 نکرده است)

۲۶۲۸

# عراق

از قرار یک روزنامه عراق نوشته اند نواب مستطاب برادره والا تبار نصره الدوله فرزند میرزا  
 حکمران ولایت عراق در نظم امر ولایت و رفاه حال رعیت و انجام مهلت و مرچوات دیوانی  
 نهایت مراقبت و رسیدگی را بعمل می آورند و با علما و اعیان و علماء اهل ولایت با نهایت درایت  
 و عطفت رفتار می نمایند و هر روز در عمارت دیوانی سلطان آباد نشسته بعضی وادار عالی  
 می نمایند و روزهای پنجشنبه را مخصوص با رعایا می نمایند که هر کس از اعالی وادانی عرض مطلبی داشته  
 باشد بدون مانعت حاجب و دربان آمد عرض خود را می نماید و مقتضای عدالت کار او فیصل می نماید  
 و از وقتی که احکام رفع دزدی بولایات رفته است تاکنون هیچ وجه سرقت در هیچیک از ولایات  
 عراق اتفاق نیفتاده است و مترو دین در نهایت اطمینان عبور و مرور می نمایند و رسم خدمت  
 و سپهر سات و اخذ مخارج از رعیت خواه از محصل و خواه از نایب و مباشر کلی متروک و تسوخ  
 در عیال این مرحد کمال شکر گزار برادرند (دیگر نوشته اند که در باب جناری سلطان  
 در سوره سابقه قرار این بود که هر کس میخواست در خانه یا دکان نان خوب بخته بازار آورده  
 درین چند سال این قاعده موقوف گردیده قرار داده بودند که دیگر در خانه نان بخته فروش  
 و نان آنجا منحصر بخته باب دکان جناری که در بازار بوده و حکام سخت تو مان از نایب و  
 جناری جزو عمل و جومات و اجارات شهر کرده دریافت می نمودند و باین جهت انظر نان خوب که  
 در سلطان آباد بهم می رسید متروک شده بود نواب نصره الدوله روزی در سر نهاری که بلدان از خانه  
 دکان جناری آورده بودند گفته بودند چیزی که بخوبی از عراق شهرت داشت نان و پیر بود چو  
 که حالاناش آن پستیها را ندارد حصار مجلس عرض کرده بودند که آنوقت نان خانه پزی قدغن شده بود  
 و در خانه نان خوب بخته بازار آورده میفرستند حال نان خانه پزی چند سال است قدغن شده  
 و منحصر بخته دکان جناری بازار کرده آنها نیز خدان وقت در خوبی آرد و پر خمگی نان می کنند  
 نواب مغزی المیه گفتند که بعد ازین جناران از ادای سخت تو مان و چه جناری معاف باشند  
 و سایر مردم کانی سابق ماذون و در حق هستند که هر کس بخواهد در خانه خود نان بخته و در هر جای  
 بفرستد بعد از صد و این حکم نان بخته اول آمد همس نایبهای خوب از خانه بازار آورده و هم بهم

۲۶۴۹

### عربستان و برورد

از قراریکه در روزنامه برورد نوشته اند امور انولات احسن کفایت و مراقبات کا ملاحظه است  
 مستطاب شاهزاده هشام الدوله حکمران عربستان و لرستان و برورد و بختیاری قرین نظام  
 و امنیت کامل است و مالی و ریاضی در عین آسودگی بدعا کوفی و انتقاد حسن بیون شاهنشاهی خلد  
 ملک و سلطان اشتغال دارند (دیگر نوشته اند که در سال گذشته حسب حکم نواب هشام الدوله  
 در مادیان رود بپاشری عالیجاه فتح الله خان با ورامنی بی در کمال استحکام و محکم عبور قوت  
 و طوائف سبب شد و بجهت عابرین و مترددین که بصورت از آن آب عبور میکردند افاقه کلی حاصل  
 ولی چون منزلگاه است و از آبادی و طوائف دور عابرین از منزل دیگر بجهت آنجا آذوقه حمل میکردند  
 نواب معزی الیه قرار دادند که امسال قلعه هم در آنجا ساخته شده و بجهت آبادی در آید که عابرین از  
 هر جهت آسوده باشند و بنا و عملکار افتاده تا اول زمستان قلعه مزبور صورت تمام خواهد یافت  
 و همچنین از حرم آباد که بانه تهر و در میان راه رودخانه است وسیع مه سوم کلبکان و این رود  
 تا جای رسیده و از آنجا برود صیقل منظم شده داخل آب کرخ میشود هر سال مبالغی مال طوائف را  
 غیر دوازده هم که از آنجا گذشت حدت کلیه بابل آرد و وارد آمد و چون آنچه عالیجاه محمد کاظم خان  
 در عین عبور غرق شده و قرب بهلاکت رسیده بود آبش برایشه درختی گیر کرده و سبب آن هم  
 نموده او را از غرق شدن نجات داده بود نواب هشام الدوله عالیجاه عبدالعلی خان را مأمور کرد  
 که بل محلی در روی رود مزبور بسازد و بنا از برورد روانه نمودند که مشغول ساختن بل مزبور بود  
 (دیگر نوشته اند که امسال که در سمت عربستان و برورد زیاد تر از سالهای دیگر شدت کرده و  
 در سواه سابقه در فصل چو از سردطان که با دسام می آمدیش از سه چهار نفر از صحرائینان تلف  
 امسال درین دو ماه بیت و دو نفر از هشام صحرائین و دو نفر از اهل برورد با دسام بهلاکت  
 بطوریکه هر چه خواسته بودند آنها را غفلت بر بند بکن شده بود بجهت اینکه با دسام اجزای آنها را  
 کرده بود و این اشخاص فقط بکنفرد ذوقی هنوز زنده است و معاصی بینا بند که در او هم امید بهبودی نیست  
 دیگر نوشته اند که در قوج فراتی که مأمور خلوشو شتر و حوزیه میباشند با وصف شدت گرمای سال در این  
 صحنه کمال خوداری در فراولی قورخانه مستحطی قلعه سال کرده و با حسن سلوک با مالی آنجا رفتار نمودند

۲۶۵-



اخبار دول خارجی که از روزنامه‌های خارجی ترجمه شده نوشته می‌شود  
 از قراریکه از روزنامه‌های نوشته‌شده بودند آنها منصرف و صفت نامجا از حالات فیجیه مسیبا از جمله  
 در این اوقات از حقه بازمانی فرنگستان هرماند نام مشهور بیک و کان دلاکی رفته و بطور  
 هنوز بدلاک گفته بود استره بیاد و صورت مراتبش دلاک استره دلاکی بست  
 گرفته و صورت او را بنا کرده بود تیر کشیدن درین بین گفته بود که تیغ تو خوب می‌ترس  
 و تیغ را از دست دلاک گرفته بقوت بکوی خود کشیده و کلوی خود را بریده افتاده بود  
 بسیار ترسیده و با نهایت خوف و هم استخاضی را که در اینجا بودند شاهد گرفته و بجانب حکومت  
 رفته اخبار نموده چند نفر از پولیس که عبارت از مستحفظ باشد آورده آن شخص را بمجا  
 اینه آورده دیده بودند که چیزی بگردن خود مانند گردن بند تعبیه کرده بوده است او را بر  
 و بگردن او اذیت ز رسیده است تعجب کرده بودند و معلوم شده بود که حقه باز است  
 ولی دلاک از شدت خوف و تلاش که باوروی داده بود آتش موهای سر و صورتش کجا  
 سفید شده و بعد از پنج روز وفات یافته بود از این حرکت حقه باز سبب هلاکت آن  
 دلاک شده بود و عیال و لاک مدعی آن حقه باز گردیده و بکومت عرض کردند و از جانب  
 حکومت آن حقه باز گرفته اند اما اجرای محاکمه او را نمی‌دانند (دیگر نوشته اند که بعضی از  
 حیوانات بملاحظه حیس و قابلیت که دارند قبول تربیت می‌کنند از جمله قبول تربیت نمودن  
 میمون مستغنی از بیان است حتی در فرنگستان اغلب کارها که از خدمتکاران بر می‌آید میمون  
 نیز تعلیم گرفته و آن کارها را می‌کند سبب تعلقی که این نخلیس هبند و ستان دارند از چند وقت  
 قبل ازین در حد و این برآمده اند که فیل را تربیت نمایند که بکارهای عمده زودار بر بخورد  
 ولی سبب کبر و غزوری که فطری فیل است تاکنون بروج دلخواه قبول تربیت نگردیده است  
 مگر از طایفه سیخ بعضی را باب وقت فقط و فیل را تربیت کرده اند بطوریکه عراده توپ  
 یا عرابه بارکش را با بنامی بنهند و آنها عرابه را می‌کشند و در هر جا هم که توپ از عراده بیرون  
 افتاده باشد آن فیله از زمین بلند کرده بروی عراده گذاشته می‌کشند تاکنون پیش ازین  
 دو فیل و آنها هم پیش ازین دو فقره تعلیم گرفته اند